

نویسنده : پیترجی گشورک

مترجم : ش . اسکندری

### مسائل مربوط به آزاد سازی و انعطاف پذیری در سیستمهای ارزی (۱)

#### الف - مقدمه

شکل مدیریت ارزی و مدخله دولت در سیستمهای ارزی بطور کلی در یکی از دو طبقه بندی عام قرار می گیرد . گروه اول شامل روشهای مختلفی است که بدان وسیله پول ملی به ارزهای دیگر تثبیت شده و باینرخ از متوسط دولت تعیین می شود و یا اجازه داده می شود که نرخ ارز شناور شده و بوسیله عرضه و تقاضا در بازار تعیین گردد . شکل دیگر مدخله ، اعمال محدودیت یا وضع مالیات و سوبسید برای استفاده از ارز است . در حقیقت رابطه نزدیکی میان انتخاب نظام انعطاف پذیری در نرخ ارز و سیاستهای آزاد سازی در بخش بازرگانی خارجی ، مخصوصا در صورت اعمال محدودیتهای ارزی ، وجود دارد . کنترلهای ارزی موجب حفظ نرخهای ارز تثبیت شده و بیاداره شده در سطح مورد نظر گذشته و همچنین ممکن است موجب تحت تاثیر قرار دادن نرخ شناور ارز گردد . بدین ترتیب سیاستهای مربوط به نرخ ارز و محدودیتهای ارزی و بازرگانی خارجی در روی یک سکه هستند .

در سالهای اخیر کشورهای در حال توسعه در لغو محدودیتهای ارزی و بازرگانی خارجی گام بزرگی به پیش برداشته اند . با وجود این ، در مقام مقایسه با کشورهای توسعه یافته هنوز محدودیتهای شکل گسترده و عمیقی دارد . تاکید بر انجام اصلاحات در جهت آزاد سازی سیستم ارزی و تجارت خارجی از آن جهت اهمیت می یابد که اعمال کنترلهای تجاری و ارزی علاوه بر تاثیر سوء آن در تخمین بهینه منابع اقتصادی ، نتیجه بخش

(۱) - این مقاله توسط مولف در هفتمین دوره بانکداری مرکزی سیانزا که در سال ۱۹۸۸ در استرالیا برگزار گردید ارائه شده است .

نیز نبوده است. به هنگام اعمال چنین کنترل‌هایی، بازار سیاه برای کالا وارد و خارج از چارچوب‌های تعیین شده فعال شده و ظفره و گریز از این چارچوب عمومیت می‌یابد.

کشورهای در حال توسعه و رساله‌های اخیر تدوین نظام تثبیت شده ارزی فاصله گرفته‌اند و برای اولین بار تعدای از کشورهای در حال توسعه سیستم شناور ارز را اختیار نمودند. برخی دیگر نیز تدوین سیستم‌های ارزی اداره شده انعطاف پذیرتری روی آورده‌اند. در این مورد نیز انگیزه اختیار سیستم‌های شناور و انعطاف پذیرتر ارزی مسئله قابلیت اجرایی این سیستم‌ها بوده است. دولت‌ها در واقع ذخایر ارزی کافی برای حمایت از نرخ ارز تثبیت شده یا اداره شده، حتی بصورت موقت، را نداشته و اعمال کنترل نیز در این جهت بی‌اثر بوده است. انقباض شدید مالی و پولی جهت کاهش قیمت‌ها و ایجاد رقابت، بدون توسل به تضعیف نرخ ارز، تقریباً در تمامی موارد امکان‌ناپذیر بوده است.

معهد اتعدادی از کشورهای راه‌رفع موانع و انعطاف پذیر نمودن نرخ ارز به دلیل پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن در دوره انتقالی محدود و پنهانی احساس می‌نمایند. آنها نگران این مسئله هستند که تعدیل نرخ ارز موجب افزایش قیمت کالاهای وارداتی ضروری با تأثیر منفی در بخش‌های حساس سیاسی اقتصاد و شتابان شدن نرخ عمومی تورم گردد. این کشورها ممکن است از این مسئله واهمه داشته باشند که در صورت فقدان محدود و پنهان ارزی با سیل واردات، خروج سرمایه و ورود کالاهای نامناسب مانند کالاهای لوکس مواجه گردند. در این پروسه بعضی از کشورها امر تعدیل نرخ ارز و اصلاح سایر سیاست‌های کلان اقتصادی را به تعویق می‌اندازند و لذا آموخته‌برد اختیاری آنها ناهنجاری ضعیف می‌گردد که دیگر قادر به برداخت تعهدات خود نیز نمی‌باشند. در این صورت خطوط اعتباری مسدود شده و فشار بر رای تعدیلات شدیدتر خواهد بود.

تیل ازادامه این موضوع، بحث مختصری در مورد الزامات بین‌المللی که در انتخاب نوع سیستم‌های ارزی توسط کشورها موثر می‌باشد، مفید خواهد بود. شناورکردن عمومی ارزهای عمده در فوریه ۱۹۷۳ در ردومین مئتم اساسنامه صندوق بین‌المللی پول، به رسمیت شناخته شد، بنحوی که هر عضو در انتخاب نظام ارزی خود مختار باشد مگر با محدودیت‌های بسیار جزئی (۱). بنابراین اعفاء صندوق در انتخاب روش

(۱) - اعضا طبق ماده ۴ بخش دوم الف ملزم به مطلع نمودن صندوق از نظام ارزی خود ظرف مدت ۳۰ روز از آن تاریخ بوده و بعد از آن نیز هرگونه تغییر در نظام ارزی را باید سریعاً "به اطلاع صندوق" برسانند.

نرخ ارز آزاد سازی عمل زیادی برخوردارند. نقش صندوق در ترویج سیستم قراردادهای برداشت چند جانبه و آزاد سازی سیستمهای ارزی و بازرگانی خارجی در کشورهای عضو ماده ۸ اساسنامه صندوق سرچشمه میگیرد. الزام صریح اعضای طبق ماده ۸ اساسنامه در زمینه اجتناب از اعمال محدودیت در برید اختیاری جاری، ناظر بر طیف وسیعی از مبادلات بین المللی منجمده مبادلات کوتاه مدت سرمایه می باشد. از سوی دیگر ماده ۶ از بخش سوم، در بسیاری از موارد اعضای را در حفظ کنترلهای سرمایه ای آزاد میگذارد. همچنین اصول نظارت صندوق بر سیاستهای ارزی محدودکننده سرمایه ای را مشخص می نماید (۱).

هدف از این گزارش مروری بر تکنیکهای عمده در اداره سیستمهای ارزی و کاربرد های سیاستی آن با تاکید بر جنبه های عملی این روشها می باشد. گزارش به ترتیب ذیل سازمان یافته است. فصل دوم انواع عمده نظامهای ارزی، شامل اشکال مختلف تشبیه و شناور اداره شده نرخ ارز را مورد بحث قرار میدهد. فصل سوم اشکال عمده مداخله رسمی در سیستمهای ارزی و محدودیتهای بازرگانی را مورد بررسی قرار میدهد و فصل چهارم جوانب مختلف سیاستهای مبتنی بر انعطاف پذیری نظامهای ارزی و آزاد سازی سیستمهای محدود کننده را که شامل بحث درباره انواع اصلی ترتیبات ارزی در راه ایجاد سیستمهای باز و آزاد می باشد، مورد ملاحظه قرار میدهد.

## ب - نظامهای ارزی

### ۱ - انواع اصلی نظامها

اگرچه در حال حاضر تقریباً کلیه کشورهای صنعتی (۲) از سیستمهای نرخ ارز شناور استفاده می نمایند

(۱) - "نظارت بر سیاستهای نرخ ارز" تصمیم شماره (۷۷/۶۳) / ۵۳۹۲ / ۲۹ آوریل ۱۹۸۸ (که در تصمیم شماره ۱۸۵۶۴ اصلاح شده است)، تصمیمات خاص، شماره سیزدهم، ۳۰ آوریل ۱۹۸۷، صفحه ۱۲ - ایجاد کنترل و انگیزه برای جریان سرمایه نشان دهنده عدم تعادل در موازنه پرداختها بوده که ممکن است بحث بین صندوق و کشورهای عضو را ضروری سازد. اصول نظارت، شامل محدودیتهای بازرگانی خارجی بعنوان شاخص دیگری در عدم تعادل در تراز پرداختها می باشد.

(۲) - با استثناء استرالیا، فنلاند و سوئد که پولشان به سیدی از ارزشها وابسته است و ایسلند که دارای نظام انعطاف پذیر بوده لکن بطور آزاد شناور نمی باشد.

لیکن اکثر کشورهای در حال توسعه نرخ ارز آزاد شده و بیانشبیت شده داشته و فقط تعداد نسبتاً محدودی از کشورهای در حال توسعه نرخ ارز خود را شناور نمودند (جدول ۱) . انواع عمدتاً نظامهای ارزی ، بنابراین وجه انعطاف پذیری آنها به عبارت دیگر بنا بر تعداد دفعاتی که نرخ ارز قانوناً می تواند تعدیل یابد ، قابل تمایز است .

#### نظام تثبیت به یک ارز :

در این نظام کشورهای پول خود را به یک ارز عمده تثبیت کرده و نرخ تبدیل را به صورت غیرمداوم و براساس تصمیمات موردی مقامات تعدیل می نمایند . در این روش اگرچه ارزش پول کشور به یک نرخ خارجی تثبیت شده است ، لکن ارزش آن در مقابل اکثر ارزهای دیگر ، بخاطر رابطه شناوری که بین آن ارز ( که عمدتاً دلار آمریکا و فرانک فرانسه می باشد ) و سایر ارزها موجود می باشد ، نوسان می کند . حدوداً  $\frac{1}{4}$  کشورهای در حال توسعه از این شکل نظام ارزی استفاده می نمایند .

روش تثبیت به یک ارز ، در وجه افراطی آن به نحوی است که ارزش کشور دیگر به عنوان پول رایج در داخل کشور مورد استفاده قرار بگیرد . در حال حاضر ، پاناما و لیبرییا آنها اعضاء وقت هستند که دلار آمریکا را بعنوان پول رایج در داخل کشور ، مورد استفاده قرار می دهند ( لیبرییا سکوگات خود را نیز به جریان گذارده است ولی نه اسکناس های داخلی را ) چندین کشور کوچک غیرعضو نیز ارزهای کشورهای صنعتی را بعنوان پول رایج خود مورد استفاده قرار می دهند ( ضمیمه یک ) . اشکالات ناشی از اتخاذ این روش ، از دست دادن حق الضرب و حاکمیت و استقلال سیاستهای پولی می باشد . لکن برای یک کشور بسیار کوچک ، ممکن است این اشکالات با کاهش در هزینه های اداری و شاید ثبات بیشتر مالی جبران شود . برابری یک به یک پول ملی به ارزش تثبیتی نیز از جمله موارد نسبتاً نادر است ، زیرا وجود نرخهای متفاوت تورم در کشور ، تعدیل در این نرخ را ضروری می سازد . در حال حاضر هیچیک از کشورهای عضو وقت از این روش استفاده نمی کنند ، اگرچه ، تا چندین سال قبل ارزش پول جمهوری دومینکن ( پزو ) معادل یک دلار آمریکا بوده است .

در چندین کشور دیگر عضو به دلیل حساسیتهای سیاسی ، مقامات پولی کشور ، پول خود را عملاً به ارزی که رسماً اعلام داشته اند تثبیت نمی نمایند . بطور مثال چندین کشور صادرکننده نفت پول خود را به حق برداشت مخصوص تثبیت کرده اند لکن در عمل در کوتاه مدت انعطاف پذیری نرخ ارزششان را در مقابل دلار آمریکا محدود نموده ( شبه تثبیت ) .

### نظام تثبیت نرخ ارز به ارزهای متعدد :

این سیستم عبارتست از تثبیت ارزش پول رایج در مقابل متوسط موزون ارز چندین کشور عمده طرف تجاری. در اغلب موارد برای موزون نمودن ارزهای این سبد از ضرایب اهمیت تجارت خارجی (صادرات و واردات) استفاده می‌شود، هر چند ممکن است در بعضی از موارد مبادله خدمات یا جریانهایی عمده سرمایه ضرایب اهمیت را تحت تاثیر قرار دهد. سایر پارامترهای عمده در تثبیت به یک سبد ارزی انتخاب زمان پایه و دوره ای است که ضرایب اهمیت بر اساس ارقام دوره محاسبه می‌گردند. حدود  $\frac{1}{4}$  از کشورهای در حال توسعه دارای این گونه نظام تثبیت ارز هستند.

در تعداد محدودی از کشورهای در حال توسعه، کشورها بجای استفاده از ترکیب ارزهای گسسته متناسب با ترکیب تجارت آنها می‌باشد از SDR استفاده می‌نمایند. مزایای انتخاب SDR در مقایسه با هر سبد ارزی خاص دیگر، سهولت در امر محاسبات است. زیرا نرخ SDR بطور روزانه از طریق صندوق اعلام می‌گردد. در حال حاضر هفت کشور در حال توسعه پول خود را به SDR تثبیت نموده اند.

### نظام های ارزی مبتنی بر همکاری متقابل :

نظام تعاونی که در برخی از کشورهای جامعه اروپا وجود دارد بصورت پلی بین نظامهای تثبیت و شناور می‌باشد. در این روش ارزهای اعضا سیستم پولی اروپا (EMS) به یکدیگر تثبیت شده لکن نسبت به ارزهای دیگر شناور است. تثبیت ارزها به یکدیگر بدین نحو، جز با هماهنگی سیاستهای پولی و مالی در منطقه قابل حصول نمی‌باشد. اختلاف اساسی این روش با روش تثبیت به یک ارز در وجود هماهنگی سیاستهای اقتصادی در منطقه و همچنین وجود بازار شناور و فعال ارز برای تعیین ارزش هر یک از ارزهای داخل سیستم در مقابل ارزهای کشورهای غیر عضو می‌باشد. در روش تثبیت به یک ارز معمولاً هماهنگی سیاستهای پولی و بانکی بین کشورهای وجود نداشته و همچنین بازار فعالی برای تعیین ارزش پول داخلی در مقابل ارزهایی که عملاً در مقابل آنها شناور است وجود ندارد. بنابراین در نظام تعاونی امکان بالقوه کمتری برای قوی یا تضعیف بودن بیش از حد پول وجود دارد.

نظام های ارزی اداره شده مبتنی بر شاخص ها :

در مورد نظام تثبیت به یک ارز، نرخ ارز در هر زمان می‌تواند در مقابل شاخصهای مختلفی تغییر

1) European Monetary System

نماید، لکن در نظام اداره شده مبتنی بر شاخص، پایه و اساس تغییرات از قبل فرموله شده است.

در این نظام هر کشور شاخصهای کلیدی خاصی که کم و بیش بطور اتوماتیک در تصمیم گیری مربوط به ارزشیابی مجدد نرخ ارز مورد استفاده قرار می دهد را تعیین می نماید. شکل متداول و معمول در این روش، تشبیه نرخ ارز تعدیل شده با نرخ تورم (نرخ ارز واقعی) است که هدف آن حفظ قدرت رقابت در مقابل کشورهای عمده طرف مبادله می باشد. در اتخاذ چنین روشی همان ملاحظاتی که در روش تشبیه به سید ارزها رعایت می شود وجود دارد که عبارتند از: ضرایب بکار گرفته شده برای هر یک از ارزهای کشورهای طرف تجاری، زمان پایه و دفعات تعدیل.

شکل دیگری از نظام، نرخ ارز از قبل اعلام شده (1) (Tablita) می باشد. در چنین نظامی نرخ ارز بر اساس در صد های از قبل تعیین شده مثلا در هر ماه بتدریج تغییر می کند.

مشکلی که در هر دو شکل نظام ارزی اداره شده مبتنی بر شاخص وجود دارد، رقابت پیش بینی بودن تغییرات نرخ ارز از قبل می باشد که امکان ایجاد منافع مادی آشکاری را فراهم آورد و تاثیر منفی در انتظارات تورمی می گذارد، حتی اگر این روش برای اداره نسبتا کوتاه مدت نرخ ارز مورد استفاده قرار بگیرد. در مورد خاص تشبیه نرخ واقعی ارز، ممکن است وقفه زمانی در اخذ آمار تورم برای تعدیل نرخ ارز وجود داشته باشد که در این صورت عدم اطمینان بازار از جهت و میزان تغییر نرخ ارز ممکن است منجر به جریان شدید سرمایه به منظور بورس بازی گردد. بانرخهای از قبل تعیین شده نیز این مسئله به شکل شدیدتری وجود خواهد داشت بطوریکه این روش در حال حاضر به دشواری مورد استفاده قرار می گیرد.

نظام شناور اداره شده:

در این نظام بانک مرکزی، به جای بازار، نرخ ارز را تعیین می کند، لکن این نرخ را بدفعات تغییر می دهد. وجه تمایز میان این شکل از نظام تشبیه از دیگر اشکال تشبیه و نظامهای مبتنی بر شاخص در (الف) تعدیل عواملی که در انتخاب شاخصهای تعدیل ارز مورد استفاده قرار می گیرد، و (ب) تعدیلات متعدد و غیر اتوماتیک می باشد.

بدلیل متنوع بودن شکل این نظام، هرگونه جمع بندی در مورد آنها امر دشواری است. بطور مثال نرخ ارز ممکن است با توجه به ترکیبی از عوامل که بسته به تفاوت سیاستگذار دارد تعیین گردد. این عوامل می توانند:

1) Pre-Announced

نرخ ارز موثر واقعی و تحولات مربوط به ترازبرد اختها، ذخایر بین المللی، بازار موازی و بازار سیاه ارز باشد.

### نظام شناور مستقل :

تعداد روبه افزایش از کشورهای در حال توسعه در سالهای اخیر نرخ ارز از طریق به مزایای گذشته ارتقا و ایجاد بازار بین بانکی شناور نمودند ( این روشها بعد از ظهور مشروح در فصل چهارم مورد بحث قرار می گیرد ) . مشخصه اصلی این نظام آن است که نرخ ارز توسط بازار تعیین می شود . دلیل عمده کشورهای در حال توسعه در اتخاذ چنین نظامی تمایل آنها برای رفع مسئولیت سیاسی در تضعیف نرخ ارزی باشد . زیرا تعداد یلات موردی در نرخ ارز تثبیت شده زیاد شده و معمولاً نتایج سیاسی غیر مطلوبی از نظر جامعه در بردارد . مخصوصاً برای گروهی از جامعه که از نظام ارزی قبلی منتفع می گردیدند . شکل مداخله در این روش ، خرید و فروش ارز توسط دولت می باشد . بطور کلی مداخله دولت در بازار می تواند برای ایجاد تعادل در بازار باشد . فکشی نمودن نوسانات دوره ای ناپایدار و پیکارهای سرعت تغییرات نرخ ارز از طریق مقابله با فشارهای بازار صورت گیرد . علیرغم مداخله در بازار ، این روش از روشهای تثبیت و پایداری شده مذکور در قبیل متفاوت است بطوریکه نرخ ارز در کوتاه مدت ثابت نیست ، بلکه مستقیماً در مقابل فشارهای بازار از عکس العمل نشان می دهد . لازم به ذکر است که کنترلهای ارزی بمنظور جلوگیری از خروج ارز عموماً " ناموفق بوده و حجم این جریان ممکن است بقدری زیاد باشد که مداخله رسمی بانک از طریق خرید و فروش ارز نتواند تأثیر بیایداری حتی در حد بیش از یک درصد و روز داشته باشد . افزایش روز افزون بازارهای مالی بین المللی پیچیده و وابسته بیکدیگر نیز از اهمیت و اعتبار چنین کوششهایی می کاهد . بنابراین هماهنگی میان کشورهای توسعه یافته در مورد نرخ ارز بیشتر متمرکز بر هماهنگی در سیاستهای پولی ، مالی ، درآمدی و ساختاری در این کشورها می باشد .

### ۲ - ملاحظات و انتخاب نظامها

در دنیای آید ه آل ، اینکه چه نظام ارزی انتخاب شود ، اهمیت چندانی نخواهد داشت زیرا مقامات می توانند حجم و دفعات تعدیل نرخ ارز را به نحوی انتخاب نمایند که با نحوه عمل سایر نظامها منجمله نظام شناور آزاد کاملاً منطبق باشد . در نظامهای تثبیت و نیمه تثبیت عملاً مسائل اقتصاد سیاسی نقش موثری می تواند ایفا نماید . بطوریکه کنترلهای ارزی و بازارگانی خارجی که برای حمایت از نرخ

ارز انجام می‌گیرد غالباً در جهت منافع گروه‌های خاص سیاسی می‌باشد بنابراین در اغلب مواقع ملاحظات سیاسی تعدیلات ضروری نرخ ارز در چارچوب نظام تثبیت شده یا اداره شده رابه عهده تعویق می‌اندازد. استدلالی که اغلب در دفاع از نظامهای تثبیت شده یا اداره شده ارز عنوان می‌شود آنست که این نظام اثرات شوک‌های خارجی بر روی نرخ ارز را تعدیل می‌نماید در صورتیکه در نظام شناور ارز نوسانات موقت و کوتاه مدت بر روی نرخ ارز منعکس گشته و عدم ثبات بیشتری در این نظام وجود دارد. البته مشکل عملی برای مقامات در مدیریت نرخها بمنظور خنثی نمودن نوسانات آنست که بدانند چه شوک‌هایی کاملاً قابل برگشت بوده یا حدوداً به چه میزانی قابل برگشت می‌باشد. برای مثال کاهش قیمت نفت در ماههای اخیر را در نظر بگیرید. آیا این یک شوک دائمی بوده و لازم است که باتوجه به آن تعدیلی در نرخ ارز صورت گیرد؟ یا اینکه جریانی است موقت و زودگذر؟ تجربیات متعدد در رابطه با روشهای ذخیره سازی برای تثبیت قیمت بین المللی کالاها اشعار براین دارد که پیش بینی تغییرات قیمت بسیار مشکل است.

استدلال دیگری که در دفاع از نظامهای تثبیت شده یا اداره شده ارز عنوان می‌گردد آنست که نظام شناور ارز برای کشورهای در حال توسعه بدلیل ضعف نهادی و تشکیلاتی این کشورها امکان پذیر نمی‌باشد. البته تجربیات بعد از سال ۱۹۸۲ که ۱۷ کشور در حال توسعه روش شناور ارز از طریق مزایده و ایجاد بازار بین بانکی را اتخاذ نموده اند بوضوح نشان داده است که چنین ادعائی صحت ندارد. بازارها در این کشورها ثابت گردیده اند که توان هموار نمودن نوسانات فعلی در تراز پرداختها را دارند. این روشها حتی در برخی از کشورها که تنها دارای یک یا دو بانک تجاری بوده اند بطور کارآمدی عمل نموده است. همچنین امکان پذیر بودن مبادله بین خود مشتریان، بعنوان یک کنترل طبیعی در مقابل تباثی و با اعمال قدرت انحصاری توسط سیستم بانکی عملی نماید.

اصولاً، بحث برله یا علیه نظامهای مختلف ارزی تنها بر اساس عملکرد آنها می‌تواند انجام بگیرد. البته قضاوت در عملکرد سیستمهای اقتصادی مشکل است، زیرا آثار آنها معمولاً در داخل اقتصاد پخش و منتشر شده است. نرخ ارز تنهایی از چند متغیر سیاستگذاری است که مسیر توسعه اقتصادی را شکل می‌دهد.

از سال ۱۹۸۲ گروهی از کشورهای در حال توسعه غیر نفتی با مشکل جدی در تراز پرداختها مواجهه بوده اند که غالباً قادر به انجام تعهدات خود در رابطه با بدهیهای خارجی نبودند. اندک بدین ترتیب تحولات در بدهیهای خارجی معرکه کشورهای مختلف که تحت نظامهای مختلف ارزی می‌باشند می‌تواند



شاخصی در تشخیص کارآئی نظامهای مزبور باشد. آیا سیستمهای ارزی خاصی وجود دارد که نسبت به بقیه سیستمها از قابلیت بیشتری در جهت اجتناب و یا کاهش بد هیبهای خارجی معوقه برخوردار باشد؟

جدول شماره ۲ برخی از آمار و اطلاعات مربوط به رابطه میان بد هیبهای معوقه و نظامهای مختلف ارزی را از زمان ظهور مشکلات بد هیبهای کشورهای در دهه ۱۹۸۰ نشان می‌دهد. همبستگی نشان داده شده میان این دو متغیر را نباید چیزی بیش از یک پیشنهاد تلقی نمود. بهر جهت بر اساس معیار تعداد کشورهای دارای بد هیبهای خارجی معوقه در هر یک از نظامهای ارزی و همچنین بر اساس معیار تعداد کشورهای که در همان نظام بوده ولی بد هیبهای خارجی معوقه نداشته اند، بنظر می‌رسد که نظام تثبیت به یک ارز بدترین نظام بوده است. در گروه کشورهای که دارای نظام تثبیت به یک ارز می‌باشند، نسبت کشورهای که طی سالهای ۸۷-۱۹۸۳ دارای روند صعودی بد هیبهای خارجی معوقه بوده است تا در نظام دیگریاد شده در جدول، به علاوه در نظام تثبیت به یک ارز در صد کشورهای که دارای بد هیبهای خارجی معوقه هستند بالاتر از این درصد در د و گروه دیگر است.

نحوه دیگر نگرش به مسئله عملکرد آنست که چگونه کشورهای در حال توسعه غیر نفتی در مقابل مشکلات جدی در ترازیرد اختهای خارجی، با انتخاب نظام ارزی خاص عکس العمل نشان داده اند. همانطور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، در تحول اساسی در مقطع ۸۷-۱۹۸۳ بوقوع پیوسته است که یکی از آنها کاهش استفاده از SDR در تثبیت نرخ ارز بود. بطوریکه تنهایی از کشورهای که در سال ۱۹۸۳ از این نظام استفاده می‌کرده اند در سال ۱۹۸۷ این نظام را همچنان حفظ نموده اند. تحول دیگر روند فزاینده در استفاده از روش شناور مستقل بوده است. بطوریکه تعداد کشورها تقریباً "از سه کشور در پایان سال ۱۹۸۳ به ۱۱ کشور در پایان سال ۱۹۸۷ رسیده است (تقریباً ۴ برابر). روند دیگری که خود را در اوایل این دوره نشان داد عبارت از کاهش استفاده کشورهای از دلار آمریکا در نظام تثبیت به یک ارزی باشد. بطوریکه از ۳۷ کشور در سال ۱۹۸۳ به ۳۱ کشور در سال ۱۹۸۵ کاهش یافته است. اگر چه، بعد از تضعیف خود دلار در مقابل سایر ارزها، کشورها مجدداً بطور تدریجی به این شکل از تثبیت روی آورده و این ترتیب کاهش ارزش دلار را دنبال نمودند. رو به مرفته بطوریکه جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، میزان استفاده از دلار بعنوان ارز مورد استفاده در تثبیت در طی دوره ثابت مانده است.

### ج - سیستمهای اعمال محدودیت در رابطه با خارج (۱)

بطوریکه قبلا اشاره شد، نرخ ارزی که باتوجه به واقعیات اقتصادی باید ارنمی نماید تنها در صورتی قابل حفظ می باشد که در کوتاه مدت ذخایر بین المللی را کاهش داده و یا استفاده از ارز محدود گردد. محدودیتهای ارزی همچنین ممکن است از طریق پرداخت سوسپند به ارزش فروخته شده به بانک در طرف عرضه ارز نیز اعمال شود و یا به نحوی با وضع مقررات خاص، در ریافت کنندگان ارز اوارا بر سر برگرداندن ارزیته کشور نماید. در عمل، شکل اینگونه ابزار محدود کننده متنوع بوده و نشان دهنده شرایط قانونی و عرفی کشورهای برقرارکننده آنها و همچنین اهمیت جریان ارزهای مختلف در هر کشوری باشد (ضمیمه شماره ۲).

#### ۱ - شکلهای اصلی کنترل

##### مجوز واردات :

مجوز واردات وجود دارد و به بند ی ارزی عمده ترین شکل محدودیت مقداری است که از سوی کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته بصورت گسترده و به دلایل مختلف اعمال می گردد. این دلایل می تواند شامل حمایت از موازنه پرداخت، حمایت صنعتی، بهداشتی، امنیت مسائل سیاسی و اجتماعی باشد. تنهائیکه اقلیت کوچکی از کشورهای در حال توسعه از ابزار مجوز واردات استفاده نمی کنند و در بیش از نیمی از کشورهایی که این نوع محدودیت را اعمال می نمایند کلیه واردات مشمول اخذ مجوز می باشد. کارآترین روش برای اعمال یک سیستم ارزی نسبتاً آزاد آنست که به جز مواردی که مشخصاً ممنوع اعلام شده و یا ملزم به اخذ مجوز قبلی می باشد بقیه پرداختها و انتقالات ارزی را آزاد اعلام نمود (آنچه که به "لیست منفی" شهرت دارد). کوتاه بودن نسبی لیست محدودیت ها کار را بسیار آسانتر می کند و دولت ساده و مشخص می نماید. برعکس در روش "لیست مثبت" تمامی واردات اصولاً ممنوع بوده و بنابراین هر مورد واردات نیاز به مجوز دارد مگر آنکه بطور صریح از داشتن مجوز معاف باشد. در حال حاضر بیشتر کشورهای در حال توسعه به سوی روش لیست منفی حرکت کرده و می کنند.

اگرچه بسیاری از کشورهای در حال توسعه مجوز واردات را برای صرفه جویی ارزی اعمال کرده اند لکن تنها

#### ۱) External Restrictive Systems

تعداد نسبتاً محدودی از این کشورها توانسته اند در مقررات خود لیست کالاها و واردات مصرفی غیر ضروری را از دیگر کالاها بصورت سیستماتیک مشخص کرده و تفکیک نمایند، اگرچه این امر در بسیاری از کشورها، از نظراتی، تعقیب می گردد. مجوز واردات به وارداتی که وارد کنند، از آنرا خارج از بازار رسمی ارزتأمین می کنند عموماً با سهولت اعطای می شود.

سیستمهایی که در آن اخذ مجوز واردات فراگیری باشد در کشورهای آفریقایی و خاورمیانه اعمال می گردد، اگرچه در مناطق دیگر نیز چندین کشور دارای این سیستم می باشند. مشخصه مشترک چنین سیستمهایی عبارت از طی یک سری مراحل پیچیده اداری برای اخذ مجوز واردات می باشد. بعضی از کشورها ممکن است برنامه واردات و بودجه ارزی سالانه و پالیسی کالاهای ممنوع و مشروط را به همراه لیست اقلام آزاد تحت چهارچوب "مجوز عمومی" اعلام نمایند. در هر صورت، علیرغم مقررات موجود، آنچه مهم است چگونگی اداره سیستم در عمل می باشد. بعضی از کشورهای گروه "لیست مثبت" در عمل به سادگی اقدام به اعطای مجوز جهت واردات می نمایند.

اگرچه متد اول است که میزان محدودیت در سیستمهای مبتنی بر مجوز واردات را با معیار نسبت ارزش واردات بدون مجوز به کل واردات سنجید، لکن این امر می تواند گمراه کننده باشد. برای مثال، این نسبت در مراکش علیرغم آزاد سازیهای اساسی در سال ۱۹۸۱ نسبت به سال ماقبل از ۳۴ درصد به ۳۰ درصد کاهش یافت و علت آن افزایش قیمت بعضی از اقلام وارداتی بود که نیاز به مجوز داشت. نسبت دیگری که اغلب برای نشان دادن میزان محدودیت و آزادسازی نظام وارداتی کشوری از آن استفاده می شود عبارتست از تعداد اقلام وارداتی مشمول مجوز نسبت به تعداد کل اقلام وارداتی. در این مورد نیز نسبت پائین می تواند ناشی از طبقه بندی مجدد کالاها و باادغام آنها در یک گروه جامعتر باشد.

کنترل ممکن است عمدتاً از طریق مراحل تخصیص ارز و با اسناد گمرکی و با هر دو اعمال شود. در بعضی موارد مجوز ورود شرط اولیه برای خرید ارزی باشد. لکن در برخی از کشورها، بودجه ارزی در واقع سقف ارزی را مشخص نموده و مجوز ورود تنها زمانی اعطای می شود که منابع ارزی موجود باشد. برای برخی از کشورها نقش موافقت نامه های منطقه ای می تواند در تعیین نحوه اعمال مجوز واردات مهم باشد مگر در مورد کشورهای عضو اتحادیه های گمرکی.

#### مالیات بر واردات:

مالیات بر واردات تحت عناوین مختلفی مانند تعرفه، سود بازرگانی، مابه التفاوت و غیره بوده و

تقریباً تمامی کشورهای اعمال می شود. این مالیاتها در مقایسه با محدودیت های مقداری که واردات را مستقیماً محدود می نمایند اثرات خود را از طریق انگیزه های قیمتی بجای می گذارد. نظامهای مالیاتسی ممکن است ساده، روشن و یکنواخت بود و باید صورت وجود مالیاتهای مختلف برای مقاصد متفاوت و ترکیب آنها باید یکدیگر نظامی پیچیده باشد.

در برخی موارد مالیاتها مستقیماً برای مقاصد موقت پیشنهاد و اعمال می شوند. در بعضی از کشورها در پیرویه آزاد سازی و در دوران انتقالی از تعرفه های انعطاف پذیر استفاده می شود. وضع مابه التفاوت بر روی کالاها ممکن است بمنظور مقاصد خاص مالی باشد. تعرفه های اضطراری ممکن است برای محدود کردن موقت واردات کالاهایی که غیر ضروری بنظرمی آید بود و برای حمایت از صنایع داخلی که در معرض صدمات ناگهانی ناشی از واردات می باشند وضع گردند. گذاشتن تعرفه بر روی کالاها ممکن است جنبه اقدام متقابل داشته و بر روی محصولات خاصی که کشور مبدأ، سوسید صادراتی به آنها پرداخت می نمایند وضع گردد تا اثرات چنین سوسیدهایی را خنثی نماید.

تعرفه ها معمولاً جامع بود و بنابراین همانند "لیست مثبت" در سیستم مجوز ورود می باشد. اگرچه تعدد استثنیسات در این سیستم نیز زیاد می باشد روشهای استرداد گمرک در ریافتی در مورد مواد خام وارداتی بکار رفته در اقلام صادراتی امری متداول بود و احتمالاً بستگی به آن دارد که مواد خام مشابه تولید داخله تا چه حد از نظر قیمت و کیفیت با مواد وارد شده قابل رقابت باشد. در صورت قابل رقابت بودن مواد داخلی استرداد مبلغ گمرکی مجاز نخواهد بود. روش دیگر در تشویق صنعت با استفاده از سیستم مالیاتهای وارداتی شامل تخصیص عوارض در ریافتی از کالاهای وارداتی معین بمنظور تشویق صادرات و وضع مالیات بر روی کالاهای سرمایه ای و مصرفی برای تأمین منابع "صندوق سوسید صادراتی" و وضع تعرفه های مربوط به حمایت از صنایع "نوین" داخلی می باشد. حمایت از صنایع داخلی می تواند مشروط و غیر مستقیم باشد. مواد اولیه ممکن است در صورتیکه محصولات ساخته شده از آنها طی زمان مشخصی صادر شوند از عوارض گمرکی و مالیاتهای تجاری معاف باشند. برای تشویق سرمایه گذاری مستقیم می توان از اینگونه معافیتها در سرمایه گذاری مشترک و یا در مناطق ویژه اقتصادی استفاده کرد. واردات ماشین آلات از موارد متداولی است که این معافیتها با آن تعلق می گیرد و این عوارض حتی می تواند به گونه ای تعدیل شود که برخی از اشخاص و موسسات وارد کنندگان خاصی از آنها معاف باشند.

ساختار نرخ موثر مالیات بر روی واردات می تواند از یک سیستم یکنواخت تا یک سیستم کاملاً پیچیده

متغیر باشد. بعضی از کشورهای واردات را مشمول نرخ تعرفه یکسان کرده اند، اگرچه تعداد این کشورها محدود است. در کشورهای دیگر دامنه نرخ رسمی عوارض گمرکی ممکن است بسیار وسیع باشد، اگرچه در عمل ممکن است بسیاری از مبادلات در یک دامنه محدود تری از نرخهای مالیاتی انجام گیرد.

#### پیش برداخت برای واردات:

پیش برداخت برای واردات یک نوع مالیات ضمنی بر روی واردات است. در این روش دولت واردکنندگان را ملزم به سپرده گذاری (بدون بهره) در نزد بانک مرکزی و یا بانک تجاری، قبل از گشایش اعتباری نماید. هدف از این سپرده ممکن است حصول اطمینان از داشتن نقد ینگی کافی واردکنندگان برای انجام واردات بود و یا ایجاد دلسردی در واردکننده به لحاظ هزینه فرصت وجهی باشد که در نزد بانک برای مدتی بصورت بدون بهره سپرده می گذارد. معادل مالیاتی این سپرده را می توان بر اساس ارزش واردات و مبلغ بهره شی که واردکننده از آن چشم می پوشد محاسبه کرد.

#### سیاست چند نرخی ارزی:

سیاست چند نرخی ارزی می تواند بعنوان ابزاری در جهت وضع مالیات و یا اعطای سوبسید در زمینه واردات مورد استفاده قرار گیرد. چنین اقداماتی در سالهای اخیر، که کشورهای در جهت اتخاذ سیستم ارزی یکسان حرکت می کرده اند، گفتر اشاعه داشته است. در بعضی از کشورهای واردات "کالاهای ضروری" ممکن است با نرخ ارز پائین تری صورت بگیرد. کالاهای ضروری معمولاً شامل مواد غذایی، اقلام داروئی، و مواد اولیه برای صنایع داخلی می باشد. نرخ موثر سوبسید عبارتست از ماهه التفاوت نرخ رسمی ارز که بر اساس آن کالا وارد می شود و نرخ ارزی که در صورت عدم وجود اینگونه محدودیتها ایجاد تعادل در بازار می نمود.

#### محدودیت در مبادلات بین المللی خدمات:

محدودیت در مبادلات بین المللی خدمات بسیار متنوع بوده و می تواند شامل ایجاد محدودیت در ورود اخت ارز برای مسافرت، هزینه های درمانی، حق عضویت، تبلیغات و تحصیل در خارج باشد، این محدودیتها همچنین می توانند مربوط به برداخت هزینه های بیمه، حمل و نقل، عملیات بانکی در مبادلات خارجی بوده و یا مربوط به محدودیت برداخت ارز به خدمات ارائه شده توسط خارجیان باشد. مورد اخیر شامل برداختهایی از قبیل حوالجات خارجی، درآمد ناشی از سرمایه گذاری و دستمزد و حقوق می گردد.

جریان درآمدی سرمایه تحت تاثیر محدودیت بر خروج سود ناشی از سرمایه گذاری و همچنین محدودیت بر روی سرمایه گذاری، که تحت عنوان "سرمایه" عنوان می‌گردد، می‌باشد که خود تصمیم به سرمایه‌گذاری و در نتیجه خروج ارز دریافتند. راتحت تاثیر قرار می‌دهد. در برخی از بخشهای خدماتی که تجارت می‌نواند جایگزین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی گردد (از قبیل خدمات کامپیوتری، برخی خدمات بیمه‌ای، ساختمان، ارتباطات، تحقیق، مشاوره، حسابداری، معماری، مهندسی و خدمات حقوقی و مالی) محدودیت بر روی انتقال سرمایه ممکن است تجارت را بقدری تحت تاثیر قرار دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را غیر جذاب بنماید و یا انگیزه‌های تشویقی برای تجارت فراهم نماید.

تقریباً تمامی کشورهای در حال توسعه محدودیت بر ارزپرداختی به مسافران خارج از کشور دارند، که معمولاً به شکل حد اکثر مبلغ ارزپرداختی برای موارد مشخصی می‌باشد. لکن در گروهی از کشورها که تعدادشان روبه‌تزايد است ارزپرداختی بیش از حد مقرر نیز ممکن است به صورت موردی انجام پذیرد، مشروط بر آنکه ثابت شود که این مبلغ اضافی مورد نیاز جنبه انتقال سرمایه ندارد. مضافاً آنکه، بعضی از کشورها هیچ محدودیتی بر روی ارز مسافری نداشته و در کشورهای دیگر ارزپرداختی به منظور مسافرت‌های تجاری معمولاً بیش از ارزپرداختی به مسافری عادی می‌باشد. در مورد دانشجویان خارج از کشور و هزینه‌های درمانی نیز معمولاً حد اکثر مبلغ ارز قابل پرداخت تعیین گردیده و در پرداخت آن معمولاً به صورت موردی تصمیم‌گیری می‌شود؛ مشروط بر ارائه دلایل کافی مبنی بر اینکه سطح مشابهی از تحصیل و درمان پزشکی در داخل کشور قابل ارائه نباشد.

واردات خدمات بانکی نیاز به گواهی داشته و یا ممکن است بدون قید هیچگونه محدودیتی مجاز باشد. اغلب اوقات موسسات، بانکها و شرکتهای بیمه لازم است که به منظور تسهیل عملیات در محل انجام معاملات مستقر باشند، که این امر خود موضوع اعطاء پروانه‌کار به بنگاههای خارجی برای دایر نمودن تشکیلاتی در داخل و یا مستقر شدن در کشور میزبان برای ارائه خدمات لازم به ساکنین را مطرح می‌نماید. در بخش بانکی اعمال محدودیت‌های خاص متداول است. غالباً بانکهای خارجی ملزم می‌باشند که درصد بالاتری نسبت به بانکهای داخلی ذخایر قانونی نگهداری نمایند. معامله با ساکنین کشور ممکن است به گونه‌ای باشد که شامل شهروندان کشور میزبان نباشد. معمولاً بازگشت سود سرمایه و سود توزیع شده برای سرمایه‌گذاران بی‌ثبات شده تضمین می‌گردد. نکت در صورت عدم ثبوت سرمایه‌گذاری این امر مواجه با محدودیت زیاده می‌باشد. سرمایه‌گذاری مجدد در اقتصاد محلی بفضای سرمایه‌گذاری در همان بخش و یا حتی در همان بنگاه و موسسه محدود می‌گردد. در اکثر کشورهای در حال توسعه برای انتقال سرمایه نیاز به مجوز می‌باشد.

محدودیت پرداخت برای خدمات در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از سرمایه‌گذاری مستقیم جلوگیری نموده است. در بعضی از کشورهای تریبیات خاصی برای برخورد نسبتاً آزادانه با این امر اتخاذ شده است تا سوآپ بین سهام و قرضه بعنوان ابزاری در کاهش بار بدهیهای خارجی گمرکن این کشورها باشد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه عرضه ارز به اقتصاد داخلی تحت تاثیر مکانیزمی است که صادرکنندگان را ملزم به تسلیم ارز تحصیلی به بانک مرکزی می‌نماید. مقررات ناظر بر تسلیم دریافتیهای ارزی صادرکنندگان به بانک منعکس کننده محدودیت کلی در سیستم پرداختهای خارجی می‌باشد. بعضی از کشورهای در حال توسعه، عمدتاً آنهایی که دارای سیستم آزاد انتقال سرمایه می‌باشند، مقرراتی مبنی بر بازگرداندن ارز به داخل کشور و یا حتی سیستم تسلیم ارز به بانک مرکزی و یا بانکهای تجاری ندارند. در کشورهای دیگر درآمد ارزی صادرکنندگان ضمن آنکه باید به کشور برگردانده شود، لکن این ارز می‌تواند در مالکیت صادرکننده باقی بماند. علاوه بر برخی از کشورهای مقرراتی برای بازگرداندن ارز وجود دارد که متعاقب آن امر "مستقرسازی" (۱) ارز نیز انجام می‌گیرد. امر مستقرسازی عبارتست از انجام اقدامات مربوط به تامین مالی صادرات و تنظیم مدل گمرکی در داخل یک بانک که خود بعنوان نماینده دولت در ثبت و نظارت بر مبادلات عمل می‌نماید.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مقررات تسلیم ارز با تمهیداتی همراه بوده و صادرکننده می‌تواند بخشی از ارز تحصیلی را که می‌تواند برای موارد خاص یا عام مورد استفاده قرار دهد، نزد خود نگاهدارد. در ویا رامتر عمدتاً در این امر مسود نظری باشد. ۱- لیست کالا و خدماتی که ارز حاصل از صادرات آنها می‌تواند توسط صادرکننده نگاهداری گردد و ۲- درصدی از ارز دریافتی در هر مورد که صادرکننده می‌تواند نزد خود نگاهدارد. لیست کالا و خدمات ممکن است به دلایل مختلف تغییر نماید. در بعضی موارد، تمامی درآمد ارزی حاصل از صادرات اولیه در چارچوب اتحادیه‌های گمرکی می‌تواند توسط صادرکننده نگاهداری شود. در موارد دیگر، هدف از مجاز نمودن صادرکنندگان به نگاهداری ارز حاصل می‌تواند تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم و یا سرمایه‌گذاری مشترک باشد. لکن در بیشتر موارد هدف از این کار تشویق برخی از صنایع صادراتی است. این صنایع می‌توان به دو گروه منابع سنتی و یا غیر سنتی تفکیک نمود که تشویق‌های صادراتی ممکن است به نفع گروه اول یا دوم باشد.

در طبقه بندی سیستم‌هایی که در آن صادرکنندگان مجاز به نگاهداری ارز تحصیلی می‌باشند،

محدود پت‌های ناظر بر استفاده از این ارز، و در صورت مجاز بودن به فروش، نرخ آن حائز اهمیت می‌باشد. مجاز بودن به نگاهداری ارز حاصله از صادرات موید غیرواقعی بودن نرخ ارز رسمی بوده و لذا فروش ارز به بانک، بانرخ رسمی در مقابل نرخ بازار موازی، قابل تحمیل به صادرکنندگان نمی‌باشد. در برخی از کشورهای ارز صادراتی ممکن است از طریق گواهی قابل مبادله در بازار بفروش برسد. در این صورت بانک مرکزی در عین آنکه ارز را تصاحب می‌نماید اجازه می‌دهد که عوامل بازار میزان تشویق‌های دریافتی توسط صادرکنندگان را تعیین نماید. در بعضی از کشورهای مبادلات مشخصی در نرخ مورد توافق طرفین مجاز می‌باشد، که این نرخ می‌تواند نرخ بازار آزاد و بانرخ نزدیک به آن باشد.

#### کنترل ارزی در انتقال سرمایه :

در اغلب کشورهای در حال توسعه کنترل‌های ارزی ناظر بر انتقال سرمایه ابعاد وسیعی دارد. البته تعداد محدودی از کشورها (کمتر از بیست کشور) هیچگونه کنترلی در طرف دریافتها و پرداختهای بازار سرمایه ندارند. در حدود همین تعداد از کشورهای در حال توسعه نیز در ارزی سیستم نسبتاً آزاد می‌باشند. کنترل‌های سرمایه‌شنی عمدتاً ناظر بر مبادلات بین‌المللی بانکهای تجاری و پرتفسوی آنها، سرمایه‌گذاری مستقیم و سرمایه‌گذاری بر روی مستغلات اشخاص غیربانکی می‌باشد. کنترل بر انتقال سرمایه ماهیتاً گرایش به تصمیم‌انواع مختلف انتقال در ارزی دارد. بطوریکه اگر کشوری بر روی هر یک از اقلام دریافتی هاپرداختی‌ها اعمال کنترل نماید به ترتیبی ملزم به اعمال کنترل بر کلیه اقلام خواهد بود. اگرچه دریافتیهای سرمایه‌شنی عموماً مشمول کنترل کمتری نسبت به پرداختهای باشند. البته با در نظر گرفتن کمبود ارزی گسترده در این گروه کشورها چنین امری در حال حاضر قابل انتظار نیز می‌باشد. طبیعتاً این کشورها در ارزی مقررات ناظر بر بازگرداندن ارز و فروش آن به بانک مرکزی نیز می‌باشند.

#### کنترل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی :

کنترل‌های مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی غالباً در بین صورت است که یک هیات رسیدگی و پاموسسه دولتی باید یک به یک سرمایه‌گذاری‌ها را تأیید نماید، و در بعضی موارد کنترل فقط شامل سرمایه‌گذاری‌های است که از حد معینی بیشتر و یا در بخش خاصی انجام می‌گیرد. این کنترل‌ها ممکن است متضمن انگیزه‌های برای سرمایه‌گذاری در بعضی از بخشهای مورد نظر در برنامه توسعه اقتصادی کشور باشد، زیرا اینگونه سرمایه‌گذاری‌ها مستلزم در اختیار داشتن تکنولوژی‌شنی است که در داخل کشور موجود نمی‌باشد. سرمایه‌گذاران خارجی ممکن است ملزم به مشارکت با سرمایه‌گذاران ملی باشند که عموماً



تامین بخشی (اغلب ۵۱ درصد) از سرمایه گذاری اولیه را بعهده ندارند.

۲ - ملاحظاتی در رابطه با انتخاب سیستم های محدود کننده

در سالهای اخیر کشورهای در حال توسعه بمرور افزایشی سیستمهای آزاد تر نرخ ارز و بازرگانی خارجی را در سیاستهای خود انتخاب نمودند. اندکوی عمومی تغییرات عمده در محدودیتها طوسی سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ در جدول شماره ۴ نشان داده شده است که بیانگر انواع موارد آزاد سازی و اقدامات محدود کننده (بدون توجه به حجم مبادلاتی که متاثر از این اقدامات می‌گردد) انجام گرفته در کشورهای صنعتی و در حال توسعه می‌باشد. این جدول غالباً نشان‌دهنده اقدامات آزاد سازی در کشورهای در حال توسعه را در رکل و نیز در هر یک از گروههای اصلی اقدامات انجام شده بوضوح نشان می‌دهد. آنچه شایان توجه است حرکت گسترده کشورهای در حال توسعه سوی سیستمهای آزاد تر ارزی و بازرگانی خارجی طی این سالهای باشد. بطوریکه تعداد تغییرات در جهت آزاد سازی با نسبت دو به یک برابر اقدامات محدود کننده فزونی دارد. پیشرفت بیشتر در جهت رفع محدودیت های ارزی در جریان سرمایه در این کشورها نیز قابل توجه است. اقدامات آزاد سازی در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای صنعتی طی سالهای مذکور از رشد بیشتر برخوردار بوده است، اگرچه باید توجه داشت که محدودیت هائیزد رایس کشورهای رسال پایه بسیار بیشتر بوده است.

سوالاتی که در اینجام مطرح است عبارتست از اینکه چرا در سالهای اخیر چنین گرایش بسوی آزاد سازی محدودیتها مشاهده می‌شود. دلیل اصلی را شاید بتوان در بین المللی شدن هرچه بیشتر جریساتان اطلاعات یافت، که در سایه آن تمامی کشورهای جهان در قالب یک بازار جهانی در یکدیگر ادغام می‌شوند، این پدیده امر جد سازی سیستم حاکم بر هر کشور از سیستم حاکم بر سایر کشورهایشان را مشکل تر ساخته است. حتی در کشورهای صنعتی، که روشهای نسبتاً پیچیده تری در اعمال سیستم های کنترل دارند، اعمال کنترل سرمایه، بعلت عدم کارآئی آن، متوقف شده است. پی گیری جریان کالا در مقایسه با ردیابی جریان پولی بسیار سهل تر می‌باشد، اگرچه در تعدادی از کشورها نشان داده شده است که حتی جریان کالا از مرزها نیز غیر قابل کنترل بوده و در اثر انگیزه های مالی ایجاد شده در سایه کنترلها، موارد بسیار زیساد قاچاق مشاهده می‌گردد.

غیر موثر بودن کنترل بر واردات به منظور نیل به اهداف اجتماعی مورد نظر در بین آن، از چند نظر روشن می‌باشد. تا آنجائی که کنترلها به منظور محدود کردن کل واردات تدوین می‌گردد،

بدون آنکه نیاز به تضعیف پول داخلی باشد، موضوع کارآئی آن در واقع به دو سوال ذیل بازمی‌گردد:

- ۱ - آیا واردات محدود به همان حدی گردیده است که مورد نظر بوده و یا منجر به قاچاق شده است؟
- ۲ - در صورت موثر بودن کنترل‌های محدود نمودن واردات آیا کارآئی این روش بیش از روش افزایش قیمت کالاهای وارداتی از راه تضعیف نرخ ارزی باشد؟ و آیا در روش اول نرخ ارز واقعی و بلافاصله واقع بر روی قیمت کالاهای وارداتی منعکس نبوده است؟ در تعدادی از کشورها، بر اساس اطلاعات آماری بدست آمده، بوضوح پدید است که قیمت نهائی کالاهای وارداتی با ارزش رسمی انعکاس دهند و نرخ پائین ارز بسیاری مصرف‌کننده نمی‌باشد. وقتی قیمت کالاها بطور صحیح مورد بررسی قرار گیرند، یعنی در مرحله نهائی مصرف و یا استفاده به صورت نهاده در تولید، اغلب چنین نتیجه می‌شود که قیمت آنها در مقایسه با قیمت احتمالی بر اساس بهای بین‌المللی کالاها و نرخ رسمی ارزش بسیار بیشتر است. این مابه‌التفاوت منعکس کننده نرخ بازاریابانه یا نرخ بازار موازی ارزی بوده و بیک رانت اقتصادی است که ناشی از کمیابی کالاها در اثر کنترل ایجاد شده است. این رانت نصیب واردکننده، و یا در بعضی از کشورها نصیب کارکنان دولتی که سیستم کنترل را اعمال می‌نمایند می‌گردد. لذا در این روش نتیجه حاصله برخلاف اهداف اجتماعی اعلام شده برای کنترل واردات است که منظور از آن ورود کالاهای ضروری با نرخ پائین ارزی باشد، تساهل در آن وسیله مواد غذایی ارزان قیمت برای گروههای درآمدی پائین را تضمین نموده و با صنایع مولد را از طریق تامین مواد اولیه ارزان حمایت نماید.

نکته اصلی آنست که همان اثر محدود کننده در واردات می‌تواند بدون اخلال در قیمت‌های نسبی و ایجاد رانت تصنعی باقیمت گذاری صحیح ارزش حاصل گردد. اگر اهداف اجتماعی از قبیل عرضه مواد غذایی ارزان به افراد محتاج مورد نظر باشد، این امر می‌تواند از طریق اقدامات مستقیم به نفع همان گروه از قبیل برنامه سهمیه بندی و کوپن مواد غذایی و سیستم تصاعدی که مالکات بر درآمد تامین گردد. پرداخت سوبسید بر روی مواد غذایی وارداتی برای تمامی گروههای درآمدی، اختلالات متعدد ایجاد می‌نماید و روش بسیار گرانی در تامین هدف اجتماعی مذکور می‌باشد. لازم به ذکر است که در تعدادی از کشورها، این امر پایه‌های کشاورزی داخلی را نابود کرده است.

به همین ترتیب، هدف اجتماعی حمایت از صنایع مولد و اشتغال در صنایع نوپا از طریق کنترل واردات روش غیر کارآئی می‌باشد. غالباً چنین اتفاق می‌افتد که کالاهای سرمایه‌ی بوسیله قوی نگاه داشتن پول داخلی عملاً مشمول سوبسید گردیده، و این امر نتایج تولید را در جهت استفاده بیشتر از کالای سرمایه‌ی وارداتی و استفاده کمتر از نیروی کار داخلی تغییر می‌دهد. نتیجه حاصله درست خلاف آنچه که منظور

سیاستگذاران بوده می‌گردد.

اگر نگرانی از آن باشد که سطح عمومی قیمت‌ها در نتیجه تعدیل نرخ ارز در رفع کنترل‌های وارداتی افزایش یابد این نگرانی با توجه به قیمت‌های صحیح در سطح خرید و فروشی و عمدتاً فروشی در مرحله مصرف تخفیف می‌یابد. اثر توری اولیه ناشی از تضعیف احتمالی نرخ ارز (تا حدی مثلاً نرخ بازار موازی) با محاسبه " فشار هزینه " از طریق محاسبه سهم واردات در GDP تعدیل یافته (با قیمت‌های گسسته منعکس کننده نرخ ارز بازار موازی باشد) قابل تخمین است. از آنجا که نرخ بازار آزاد با بازار سرمایه‌آرز حدی است که نرخ ارز را اثر سیاست‌های آزاد سازی و شناور کردن به آنسوی حرکت می‌کند این امر می‌تواند کمکی برای بدست آوردن شاخصی از اثرات توری تضعیف در کل باشد. این اثر غالباً بسیار خفیف تر از آنست که سیاستمداران و مسئولین آن هراس دارند. نهایتاً، اثرات اولیه با تعدیل در سیاست‌های اقتصاد کلان، که همراه با سیاست نرخ ارز اعمال می‌گردد، باید خنثی شود. این اقدامات ممکن است اثرات توری را بکلی از میان ببرد و وباحتی در جهت کاهش شدید نرخ تورم باشد.

معمداً، رفع موانع و اجازه دادن به افزایش نرخ ارز تا حد تعادلی بازار ممکن است اثرات بالنسبه کندی در بخش صادرات بجای گذارد. تاخیر زمانی در بازسازی صنایع صادراتی ممکن است دوالی سه سال بطول انجامد. لکن تأثیر در واردات ممکن است در عین سریع بودن از نظر سیاسی کمتر قابل تحمل باشد.

در چنین شرایطی، ملاحظه اصلی در کوتاه مدت تأثیر مجموعه سیاست‌های آزاد سازی بر روی جریان سرمایه می‌باشد. در عین اینکه اغلب کشورهای در حال توسعه دارای نظام کنترل سرمایه هستند لیکن تنهاتعداد بسیار اندکی در جلوگیری از خروج سرمایه در سالهای اخیر موفق بوده‌اند. در بعضی موارد سرمایه خارج شده به حدی بوده است که کل بدهی کشور را می‌توانست تأمین نمود و موانع تقسیم و زمانبندی مجدد (۱) این بدهی هاباشد. بدیهی است ایجاد انگیزه‌هایی که بتواند سریعاً موانع خروج سرمایه و باموجب بازگشت سرمایه به کشور گردد در مطلوبیت یک مجموعه سیاست‌های آزاد سازی تک مرحله‌ای بسیار موثر است. شواهد نشان می‌دهد که ترکیبی از سیاست نرخ‌های بهره آزاد و اجازه دادن به نرخ ارز برای یافتن حد تعادلی خود (هم در بازار نقدی و هم در بازارهای سلف ارزی) (۲) می‌تواند انگیزه توری برای

۱) Rescheduling

۲) Forward Market

بازگشت سرمایه به کشور ایجاد نماید. این امر می تواند انتقال بسوی يك نظام جدید قیمتهای نسبی را که ناشی از مجموعه سیاستهای آزاد سازی است تسهیل نماید.

#### د - مسائلی در ارتباط با اصلاح سیستم ارزی و بازرگانی

در حرکت بسوی سیستم آزاد تر و انعطاف پذیر تر ارز در سالهای اخیر، برخی از ترتیبات و سیاستها از ثبات و اطمینان خاصی برخوردار بوده است. این سیاستها ضمن اینکه فاقد برخی از زیانهای ناشی از نظام تثبیت ارز و وابسته ای که قبلاً بد آن اشاره شد بوده اند، با عملکرد ترمیخ و موفقیت آمیز خود در برخی از کشورهای در حال توسعه سود مندی خود را به اثبات رسانیده اند. از مزایای این سیاستها سوق اقتصاد بطرف وضعیت تعادل باید از خصوصیت " سریع الحصول " بودن نسبی آنهاست. بدین ترتیب این سیاستها ضمن بهبود دیدگاه کشورهای در حال توسعه بد هکار در زمینه کارآیی اقتصادی و سیاسی مجموعه سیاستهای تعدیلی، از طریق بهبود بخشیدن به وضعیت ترازیرد اختهای آنها، هزینه اقدامات بعمل آمده توسط کشورهای بستانکار را در مقابل کشورهای بد هکار، از قبیل هزینه تقسیم و زمانبندی مجدد بد هیهای آنان و کمکهای اعطاشی را به حداقل می رساند.

#### ۱ - بازارهای ارزی مزایه هئی (۱) و بین بانکی (۲)

در سیستم های مبتنی بر نرخ ارز شناور مستقل و نوع بازار عمد و وجود دارد که عبارتند از بازار بین بانکی و بازار مزایه هئی. شرکت کنندگان در بازار بین بانکی را بانکهای تجاری و در برخی از موارد آندسته از دلالات ارر که دارای جواز کسب می باشند، تشکیل می دهند. تحت این روش به اشخاص و شرکتهای اجازه داده شده است که تقاضای خود را از طریق بانکهای تجاری و یا دلالاتی که بعنوان نماینده آنها عمل می نمایند، ارائه دهند. غالب کشورهای در حال توسعه ای که سیستم بین بانکی را اختیار نموده اند، تعداد کافی بانکهای تجاری و واسطه های ارزی برای حصول اطمینان از وجود بازار رقابتی بوده اند. تجربه نشان داده است که وجود چند بانک و حتی يك یاد و بانک برای داشتن يك بازار رقابتی بویژه اگر دولت به بخش خصوصی اجازه دهد که آزادانه خارج از بازار معامله نمایند کافی است. از ویژگیهای این سیستم آنست که نرخ ارز از طریق داد و ستد بانکها یا مشتریان و یا در مبادلات این بانکها تعیین می گردد. بدین ترتیب

۱) Auction

۲) Interbank

احتمال تغییر نرخ ارز ساعتی به ساعت دیگر و یا از روزی به روز دیگر از بین می‌رود.

نقش مقامات دولتی در روش مزایده بسیار بیشتر از نقش آن در بازار بین بانکی است. در رایسن روش درآمد های ارزی ناشی از صادرات کالاها و خدمات خاص بانرخ حاکم در بازار، تسلیم بانك مرکزی شده و توسط این بانك مرتبا (بعنوان مثال بطور هفتگی) برای فروش به مزایده گذارد می‌شود. بانك مرکزی در خصوص میزان ارزی که می‌بایست به مزایده گذارد و نیز حداقل قیمتی که پائین تر از آن حاضر به قبول درخواست نیست تصمیم گیری می‌نماید. تفاوت اساسی بین روش مذکور در نحوه عرضه ارز به بازار و رد فعات و پتانسیل تعدیل نرخ ارز است. روش مزایده مستلزم تسلیم ارز به ارگان واحد و یا سازمان متمرکز است که تاکنون بانك مرکزی کشورها مسئولیت سازمان دادن به این بازارها را بر عهده داشته است. بعبارت دیگر دولت ارتباط نزدیکی با عملیات بازار مزایده داشته و لذا اهداف سهم رفیع مسئولیت سیاسی دولت در مقابل نرخ ارز تحقق نمی‌یابد. از دیگر معایب روش مزایده این است که اطلاعات مشتریان در مورد عرضه کل ارزی بسیار محدود و ترازمورد بازار بین بانکی است. دولت ممکن است بمنظور حفظ نرخ پائین ارز اقدام به اخذ وام کوتاه مدت و عرضه آن در بازار نمود و سپس جهت بازپرداخت آن مجبور به ورود در بازار برای خرید گردد. در این روش نوسانات نرخ ارز افزایش یافته و دولت جهت مقابله با آن ناگزیر از انجام اصلاحات عمده در نرخ ارز است که بعضا منجر به ترك روش مزایده می‌گردد. بازارهای بین بانکی كمتر تحت تاثیر این قبیل اقدامات مداخله گرانه دولت قرار دارند.

سوال مهمی که مطرح می‌شود اینکه آیا نرخهای شناور ارز در کشورهای در حال توسعه موجب کاهش بی رویه نرخ ارز شده و یا موجب افزایش بیشتر آنرا فراهم می‌آورد. تجربه نشان داده است که نرخ ارزیابانه بازار آن نزد یكتر شده و به اینكه تا حد و کمی كمتر از نرخ بازار آزاد ارزی می‌شود. نتیجتا نرخ واقعی موثر ارزی که در بازار تعیین می‌شود از نوبات نسبی بیشتری برخوردار است. بهر حال اگر تعدیلات لازم در سیاستهای مالی و پولی بعمل نیامده باشد، در این صورت ثبات واقعی نرخ ارز در سطح بالاتری از تورم داخلی و نرخ اسمی بالاتر از رشد است. بدین ترتیب سیاستهای پولی و مالی در تعیین میزان توجیه پذیری سیستم شناور ارز اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا افراد و گروههای سیاسی که از سیستم سابق بهره می‌جستند، به تغییرات نرخ اسمی ارز بعنوان معیار ثبات بازار توجه دارند.

## ۲ - بازارهای سلف ارز

در کشورهای در حال توسعه، بازارهای سلف ارز محدود ولی رویه افزایشی وجود دارد که در این بازارها

معاملات سلف ارز از طریق بانکهای بازرگانی تحت شرایط رقابتی برای بخش خصوصی فراهم می‌گردد. در این کشورها عموماً تسهیلات مربوط به معاملات سلف یا توسط بانکهای تجاری تحت شرایط و مقرراتی که رسماً تنظیم گشته است فراهم می‌گردد (بانکهای تجاری خود در این زمینه مورد حمایت قرار می‌گیرند) و با اینگونه تسهیلات مستقیماً توسط بانک مرکزی و یا سایر موسسات رسمی برای بخش خصوصی و موسسات دولتی مهیامی شود. در برخی از کشورهای رفیقا در بازار سلف ارز، زیانهای ناشی از ارائه تسهیلات سلف ارزی توسط بانک مرکزی بسیار قابل توجه بوده و در برخی موارد حتی به چندین برابر پایه پولی بالغ گشته است. این تجارب قویاً توصیه می‌نماید که دولت‌ها و بانکهای مرکزی در استفاده از ترتیبات غیربازار کاملاً محتاط باشند.

چندین نوع بازار سلف ارزی وجود دارد. در سازمان دهی بازار معاملات سلف، ارجح است که حتی الامکان زمینه فعالیت بانکهای بازرگانی را در این خصوص فراهم نمود و بانک مرکزی هرچه سریعتر از حمایت و تنظیم نرخ ارز خود داری نماید. در مراحل اولیه، نیازمندیهای آموزشی جهت کسب دانش فنی بسیار قابل ملاحظه است. تجربه در مورد کشورهای صنعتی و در حال توسعه هر دو توصیه می‌نماید که انعقاد قرارداد های خارجی سلف (۱) در زمینه مبادلات تجاری بهترین نقطه شروع عملیات است. در هر صورت، معاملات نسبه غالباً متضمن قرارداد های وعده دار است و کارآئی بازارهای نسبه (۲) و ناظر به آئینده (۳) هر دو مستلزم انجام معاملات در حجم سنگین می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه نیز مانند کشورهای توسعه یافته بازارهای ناظر به آئینده و نسبه ممکن است در مراحل بعدی پدیدار گشته و توسعه یابند.

در ایجاد بازارهای سلف، وضعیتی که تحت سیستم محدود کننده ارزی ایجاد شده، اگرچه در ایجاد قابلیت انعطاف پذیری بیشتر نرخهای سلف ارز تمهیدکننده نیست ولی دارای اهمیت خاصی است. در ربین کشورهایی که دارای بازار معاملات سلف ارزی باشند، غالباً محدودیت‌های خروج سرمایه وجود ندارد و با اقل به افراد اجازه داشتن سپرده خارجی داده می‌شود. هیچیک از کشورهای در حال توسعه که دارای بازار سلف ارز هستند به استثنای یک مورد بازار عمده و پیشرفته ای به موازات بازار

1) Out Ward Forward Contracts

۲) Options Markets

۳) Future Markets

مبادلات نقدی وجود ندارد.

بازارسلف ارزی ریسک ناشی از تجارت خارجی را کاهش می دهد. بنحویکه تقاضای واردکنندگان برای خرید ارز و عرضه ارز توسط صادرکنندگان در بازار ارز نرخ مشخص به تعادل رسیده و ریسک موجود به سفته بازان و بینگانهایی که آمادگی قبول آنرا دارند منتقل می گردد. وجود بازارهای سلف ارز همراه با نرخهای بهره واقعی داخلی، استقراض از خارج را برای واردکنندگان پرچا به می نماید. ایجاد بازارهای سلف ارزی برای دولتهای که دارای مشکلات موقت در ترازپرداخت هستند بسیار اهمیت دارد زیرا واردکنندگان مایل به قبول ریسک در شرایط فقدان بازارسلف ارزی نیستند. بازارهای سلف ارزی همچنین برخی از مبادلات مالی را برای بانکهای داخلی که مایل به فعالیت و بازارائه خدمات در خارج از کشور هستند، تسهیل می نماید.

۳. مزایای مجوز ورود کالا

در مواقعی که روش اعطای مجوز ورود کالا طی دوره‌های بدنبال اصلاح ارزی حفظ می شود، سیستم مزایای مجوز ورود، عنصر اساسی سیستم محدودکننده ارزی را در این نظام تشکیل داده و همزمان موجب بهبود کارایی سیستم در حد نهایی خود می گردد. تحت این روش واردکنندگان می توانند پیشنهادات خود را برای مجوز ورود فقط در محدود و مبلغی که مجاز به واردات می باشند ارائه نمایند. بدون اینکه محدودیتی در مورد نوع واردات اعمال گردد، کارآئی از آن جهت افزایش می یابد که مجوز ورود کالا به واردکنندگانی داده می شود که بیشترین قیمت را پیشنهاد دهند. بدین ترتیب سود زیادی که به هزینه عموم افراد جامعه و به نفع واردکنندگان تمام می شد، کاهش می یابد. در همین عامل بهبود کارآئی در سیستم مزایای مجوزهای ورود برای کالاهای اضافی می شود که بیشترین تقاضا را در کشور دارد. این بدان معناست که برای هیچ کالایی اضافه تقاضای اضافه عرضه در هر مزایای که سقف ارزشی متفاوتی برای گروه کالاهای وارداتی گوناگون تعیین می شود وجود ندارد هر قدر که تعداد گروههایی که سقف ارزشی آنها از پیش تعیین می شود بیشتر باشد کارآئی این سیستم کمتر بوده و امکان کمبود یا مازاد کالاهای خاصی بیشتر خواهد بود.

این گونه مزایای هانمایانگرمیزان محدودیت کنترلهای وارداتی هستند. میزان درآمد های دولت حاصل از فروش این مجوزها نمایانگر میزان این محدودیتهاست. میزان این درآمد نشان دهنده کمبایی کالاهای وارداتی ناشی از نظام مجوز ورود بوده و می تواند عامل مهمی در کاهش کسری بودجه باشد.

#### ۴ - تعدیل تعرفه‌های وارداتی

تعدیل تعرفه‌های وارداتی همراه با آزادی واردات و برخی از کشورهای اروپا و اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ صورت گرفته است. معاهد متعدد بیلات اولیه بدلیل فشار شدیدی که بر سویانته پیرد اختیهای کشورهای در نتیجه دومین شوک نفتی وارد آمده بود، بمعاهده تسویق گذاشته شد. دومین اقدام برای آزادسازی تجارت در فاصله سالهای ۸۸ - ۱۹۸۶ اتفاق افتاد. هدف از تعدیل تعرفه‌ها معمولاً افزایش کارآئی تولید داخلی از طریق ایجاد رقابت باخارج و بهبود تخصیص منابع در داخل کشور بود. علاوه بر هدف افزایش کارآئی، بعضی از این تعدیلات هدفشان کاهش فشارهای تورمی در داخل بود. است. در باره ای موارد اهداف خاص دیگری از جمله مقابله به مثل با طرفهای تجاری، کاهش مداخله دولت، بهبود وضع مالی دولت و جبران اثرات تضعیف ارزش پول مورد نظریود است.

در برنامه‌های تعدیل تعرفه‌ها عوامل ساختاری مشترکی قابل مشاهده است. این تعدیلات غالباً همراه با پیامتعاقب کاهش محدود پتهای مقداری صورت می‌گیرد. در بعضی موارد تعرفه‌ها بطور موقت بر روی سدادی اراقلام که فاقد محدود پتهای مقداری هستند افزایش داده می‌شود تا به صنایع داخلی امکان بدهد که خود را تصحیح نمایند. یک جنبه دیگر از این برنامه‌ها، ساده کردن ساختار تعرفه‌ها است. راههای ساده کردن اعمال تعرفه‌ها عبارتند از: یکسان کردن تمامی عوارض وارداتی، حذف معافیتها و با عدم استفاده از لیست وارداتی بعنوان پایه محاسبات، یک جنبه مهم دیگر از برنامه تعدیل تعرفه‌ها عبارت بوده است از کاهش پراکندگی نرخهای تعرفه، این کار معمولاً با کاهش متوسط نرخ تعرفه، بطوریکه تعرفه‌ها نتوانند تا حد و مشخصی افزایش یابند، کاهش تعرفه‌های بالاتر، افزایش تعرفه‌های پایین صورت می‌گیرد. برنامه‌های تعدیل تعرفه‌ها معمولاً بین ۴ تا ۶ سال بطول می‌انجامد. اگر چه برنامه‌های کوتاه مدت تری نیز در برخی از کشورها به مورد اجراء گذارده شده است. مراحل آزاد سازی تجارت خارجی معمولاً با حذف محدود پتهای مقداری شروع شده و با ساده تر نمودن ساختار مالیاتی و سپس با کاهش نرخ متوسط تعرفه و توزیع آن ادامه می‌یابد و در برخی از موارد همه این سیاستها همزمان با هم به مورد اجراء در می‌آیند.

#### ۵ - رفع محدود پتهای مربوط به نقل و انتقالات سرمایه

در متون اقتصادی تا حد و دی آزاد سازی نقل و انتقالات سرمایه ای بعنوان آخرین مرحله در سلسله



اقدامات مربوط به رفع محدودیتها تلقی شده است. هرچند که می توان استدلال نمود که در مراحل اولیه برنامه اصلاح، رفع محدودیت در مورد انتقال سرمایه نقش اساسی در تغییر جهت جریان سرمایه دارد.

همانطوریکه فوقا اشاره شد، یک چهارم کشورهای در حال توسعه دارای سیستم آزاد و یا نسبتاً آزاد انتقال سرمایه هستند. در دیگر کشورها، کنترل شدید بوده و گاهی حتی شامل سهام و سرمایه گذاری نیز می شود. معدنک این محدودیتها در رساله های اخیر قادی به جلوگیری از خروج سرمایه نبوده اند. بدون شک در برخی موارد ایجاد محدودیت خود در خروج سرمایه موثر است. زیرا اعطای تضمیناتی که در قبال خطرات ناشی از نوسانات نرخ ارز و نرخهای واقعی بهره داخلی فراهم آمد، مسائل ناشی از اعمال کنترل موجب گشته است افراد ارزش خود را در خارج از کشور نگهداری نمایند (اثر تله موش - Mouse trap effect). این افراد مایل به بازگردانیدن سرمایه خود به کشور نخواهند بود. زیرا در این صورت بابت محدود بودن موارد مصرف آن در داخل، متضرر خواهند شد. از این رو رفع همزمان محدودیتها در مورد نرخ ارز، نرخ بهره و نقل و انتقالات سرمایه، احتمالاً انگیزه کافی را در کوتاه مدت برای تغییر جهت جریان سرمایه و بهبود وضعیت تراز پرداختها ایجاد می نماید. با توجه به اینکه ممکن است، بخشهای فیزیکی اقتصاد نسبت به سیاست تعدیل نرخ ارز با تاخیر رمانی بیشتری عکس العمل نشان دهند، اثرات کوتاه مدت این سیاست در موفقیت آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

اثرات مثبت سرمایه گذاری مستقیم در رشد و پیشبرد اقدامات اصلاح طلبانه اقتصادی کاملاً روشن است. انجام سرمایه گذاری علاوه بر اینکه در بهبود وضع موازنه پرداختها موثر است، اثرات آن در رشد اقتصادی حتی در دوره نصب کارخانه و ماشین آلات قابل توجه می باشد. اعطای معافیت های مالیاتی برای مدت زمان معین در برخی از کشورها اگرچه وصول درآمد های مالیاتی را بعداً تعدیل می اندازد، ولی مالیات بردارنده افراد شاغل در صنایع جدید را سریع الوصول خواهد نمود.

مسئله مهم تشخیص علل خروج سرمایه است. در برخی از کشورها فشار برای فرار سرمایه ممکن است بدلیل خروج افراد از کشور که هدف نهایی آنها اسکان در سایر کشورهاست، جنبه پایدارتری داشته باشد. در چنین شرایطی حل مسأله سیاسی از طریق ابزار اقتصاد می تواند شواصی نماید. معدنک لازمست که کوششهای جهت کاهش ریسکهای اقتصادی ناشی از آن بعمل آید. در این زمینه اتخاذ سیاستهای آزادتر در مورد بازگردانیدن سرمایه مهاجرین بر سیاستهای سخت گویانه ارجح است. در روجه اغراق آمیز آن

---

" خاصیت تله موش " بقدری ممکن است شدید باشد که اجازه سپرده گذاری در خارج موجب افزایش سپرده ها در داخل کشور بشود . علی الخصوص چنانچه در ابتدا ، سیاستهای مناسب در مورد نرخ بهره و ارزبمورد اجراء آید .

### Bibliography

- Bergsten, C.Fred, et al., Auction Quotas and United States Trade Policy,  
Institute for International Economics, September 1987.
- Edwards, S., " The Order of Liberalization of the Current and Capital  
Accounts, " in Economic Liberalization in Developing Countries, eds.,  
A.M. Choksi and D.Papageorgiu (Blackwell, 1987).
- International Monetary Fund, Annual Report on Exchange Arrangements and  
Exchange Restrictions, 1988.
- Papageorgiu, Demetris, et al., " The Phasing of Trade Liberalization Policy,  
" CPD Discussion Paper No.1986-42, December 1986 (IBRD).
- Quirk, Peter J., Benedicte Vibe Christensen, Kyung Mo Huh and Toshihiko  
Sasaki, Floating Exchange Rates in Developing Countries : Experience  
with Auction and Interbank Markets, Occasional Paper No.53 (Washington,  
International Monetary Fund, 1987).
- \_\_\_\_\_, Graham Hacche, Viktor Schoofs, and Lothar Weniger, Policies  
for Developing Forward Foreign Exchange Markets, Occasional Paper  
No.60 (Washington , International Monetary Fund, 1988).
- Wickham, Peter " The Choice of Exchange Rate Regime in Developing Countries:  
A survey of the Literature, " Staff Papers, International Monetary  
Fund (Washington), Vol.32 (June 1985).



## جدول شماره ۲

رابطه نظامهای ارزی و بدهیهای خارجی معوقه در کشورهای در حال توسعه غیر نفتی

در پایان سال ( درصد )					
۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	
					تثبیت به ارز واحد
۶۸/۶	۶۳/۸	۵۰/۹	۵۵/۵	۵۴/۵	نسبت (۱)
۱۹۰/۹	۱۵۰/۰	۲۲۵/۰	۳۸۳/۳	۲۲۲/۲	نسبت (۲)
					تثبیت به چند ارز
۳۸/۵	۳۰/۳	۲۸/۹	۳۵/۷	۲۱/۸	نسبت (۱)
۸۰/۰	۲۶۶/۶	۲۶۶/۶	۳۰۰/۰	۱۶۶/۶	نسبت (۲)
					شناور داده شده یا مستقل
۴۱/۶	۵۰/۰	۵۳/۱	۴۲/۸	۴۶/۴	نسبت (۱)
۲۰/۰	۱۲۵/۰	۹۰/۰	۱۶۰/۰	۸۷/۵	نسبت (۲)

نسبت (۱) - درصد کشورهای دارای بدهی خارجی معوقه به کشورهای بدون بدهی خارجی معوقه -

نسبت (۲) - نسبت کشورهایی که دارای روند صعودی بدهیهای خارجی معوقه میباشند به

کشورهای دارای روند نزولی بدهیهای خارجی -

## جدول شماره ۳

روند هاد رانتخاب نظامهای ارزی در کشورهای در حال توسعه غیر نفتی

تعداد کشورها					
۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۲	۱۹۸۳	
۵۶	۵۲	۵۱	۵۴	۵۵	تثبیت بعلیه ارز (۱)
(۳۷)	(۳۳)	(۳۱)	(۳۶)	(۳۷)	دلا ر آمریکا
(۱۲)	(۱۴)	(۱۵)	(۱۳)	(۱۳)	فرانک فرانسه
(۵)	(۵)	(۵)	(۵)	(۵)	سایر ارزها
۲۸	۳۳	۳۸	۳۵	۳۲	تثبیت به چند ارز
(۶)	(۸)	(۱۱)	(۱۰)	(۱۱)	SDR
(۲۲)	(۲۵)	(۲۷)	(۲۵)	(۲۱)	سایر
۲۵	۲۴	۲۳	۲۱	۲۵	شناور ااره شده
(۵)	(۶)	(۵)	(۶)	(۵)	باشاخصها
(۲۰)	(۱۸)	(۱۸)	(۱۵)	(۲۰)	سایر
۱۱	۱۲	۹	۷	۳	شناور مستقل

(۱) - شامل " شبه تثبیت " نیز می باشد .

## جدول شماره ۴

تغییرات عمده در محدودیتهای ارزی و بازرگانی خارجی ۱۹۸۶ - ۸۷

تغییرات درجهت ایجاد محدودیت		تغییرات درجهت آزاد سازی		
کشورهای در حال توسعه	کشورهای صنعتی	کشورهای در حال توسعه	کشورهای صنعتی	
				۱ - واردات
۴۵	۳۶	۹۱	۱۵	کنترلهای مقداری
۸۱	۹۳	۱۳۹	۳۷	کنترلهای دیگر
				۲ - صادرات
۱۳	۱۵	۱۷	۳	کنترلهای مقداری
۴۹	۹	۸۷	۱۰	کنترلهای دیگر
۳۲	۱	۶۹	۲۱	۳ - خدمات جاری (۱)
۱۹	۱۶	۶۳	۷۰	۴ - سرمایه
۳۳۹	۱۷۰	۴۵۵	۱۵۶	کل تغییرات

## 1) Current Invisible

IMF, Annual Report on Exchange Arrangements and Exchange Restriction, 1986 and 1987 editions.